

## "حداقل دستمزد"

### شرم نامه مسئولین جمهوری اسلامی در تشکلات کارگری

جلسات شورای عالی کار جهت تعیین حداقل دستمزد کارگران همه ساله در اسفند ماه با شرکت سه نفر از طرف وزارت کار، سه نفر نمایندگان کارفرما و سه نفر از مسئولین خانه کارگر رژیم بعنوان نماینده کارگر در وزارت کار تشکیل می شود. این جمع انتصابی، به اصطلاح بر مبنای افزایش تورمی که از طرف بانک مرکزی اعلام می شود، حداقل دستمزد کارگران برای سال آتی را مشخص و اعلام می کنند. طی چندین سال به بهانه های مختلف از جمله جنگ، هیچ گونه افزایش دستمزدی به کارگران تعلق نگرفته بود لذا بنا به تصمیم سال قبل این نهاد انتصابی سرمایه، قرار شد طی چهار سال با توجه به تورم موجود حداقل دستمزد کارگران را به پایه دستمزد دریافتی کارگران در سال ۵۸ برسانند. یعنی اینکه کارگران قادر شوند مایحتاج زندگی خود را همانند سال ۵۸ تهیه نمایند. این که در این معامله بر سر دستمزد کارگران هیچ گونه صحبتی از بهبود زندگی آنها با گذشت ۲۶ سال به میان نیامده حرف دیگری است. از طرفی شاهد یوده ایم که طی چهار سال گذشته مسئولین خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار در تهران و شهرستانها در اسفند ماه طبق یک برنامه از پیش تدوین شده، برای جلوگیری از هرگونه اعتراضات مستقل کارگری در مورد افزایش دستمزد واقعی خود، با هیاهو و جنجال فراوان مبالغی را بعنوان دستمزد کارگران در سال آتی اعلام می کنند که خود نیز یقین دارند که پرداخت چنین دستمزدی متحقق نخواهد شد و در روزهای پایانی سال با اعلام حداقل دستمزد، کارگران را در عمل انجام شده ای قرار داده و می دهند. اما امسال با توجه به نزدیک شدن نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری و میاندوره ای مجلس، این جار و جنجال و هیاهو و شعارهای توخالی و غیر واقعی صد چندان شده است. این که این افزایش دستمزد بطور واقعی به چند درصد از کارگران تعلق خواهد گرفت از طرف این نهادها تاکنون اعلام نشده است. چرا که بنا بر گفته خودشان با توجه به برنامه چهارم اقتصادی ۹۹ درصد کارگران به صورت قراردادی مشغول کار خواهند شد که با گرفتن قراردادهای سفید از طرف کارفرمایان حتا دستمزدی زیر حداقل اعلام شده دریافت می دارند. در صنایع بزرگ نیز دریافتی کارگران بالاتر از حداقل مزد اعلام شده می باشد.

علی رغم این مسائل به گفته مسئولان رژیم خط فقر در جامعه حدود ۳۰۰ هزار تومان در ماه است. مسئولین خانه کارگر اعلام کرده اند که امسال حداقل دستمزد بر مبنای توافق سال قبل بایستی به ۱۴۶ هزار تومان در ماه برسد. یعنی ۱۵۴ هزار تومان زیر خط فقر اعلام شده، که این به معنای خط مرگ تدریجی برای کارگران و حقوق بگیران است. و معلیم که دستمزد بسیاری از کارگران از ۴ ماه تا یکسال به آنها پرداخت نمی شود و این یکی از معضلات کنونی جامعه کارگری است. حتا بعضی از کارفرمایان به بهانه ۵۰۰ میلیون تومان بدهی کارگاه را تعطیل و کارگران خود را اخراج می کنند.

## ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران صرف چه مسائلی می شود؟

بنابر مصوبه مجلس انتصابی ولایت فقیه در بررسی لایحه بودجه، بطور حیرت آوری برای نهادها و حوزه های مختلف اسلامی افزایش بودجه چند میلیاردی در نظر گرفته شد. بر مبنای این افزایش ها، بودجه مجلس با افزایش نزدیک به ۶ میلیارد به ۳۸ میلیارد تومان، شورای نگهبان سرمایه، با افزایش ۸ میلیارد و ۲۲۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان به ۱۵ میلیارد و ۶۵۵ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان، نیروهای انتظامی با افزایش ۲۰ میلیارد به ۸۹ میلیارد و ۱۴۶ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان، هزینه بسیج با افزایش ۱۰۰ میلیارد به ۱۷۹ میلیارد و ۳۴۲ میلیون تومان، بنیاد حفظ و آثار و ارزشهای جنگ، با افزایش ۲ میلیارد به ۳ میلیارد و ۶۳۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان، نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاهها، با افزایش ۵ میلیارد به ۹ میلیارد و ۹۲۵ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، با افزایش ۴ میلیارد و ۵۵۰ میلیون به ۱۵ میلیارد و ۸۸۰ میلیون تومان، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، با افزایش ۲ میلیارد و ۳۰۰ هزار میلیون به ۲۳ میلیارد و ۸۴۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان، سازمان تبلیغات اسلامی، با افزایش ۱ میلیارد و ۱۰۰ میلیون به ۸ میلیارد و ۴۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی با افزایش ۱ میلیارد به ۵ میلیارد و ۷۹۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان، بنیاد شهید، با افزایش ۷۰ میلیارد به ۱۷۹ میلیارد تومان، صدا و سیما ولایت فقیه با افزایش ۵۵ میلیارد به ۲۲۴ میلیارد و ۱۲۵ میلیون تومان، مطالعات آستان قدس رضوی، با افزایش ۵ میلیارد به ۳۰ میلیارد تومان، مرکز خدمات حوزه علمیه با افزایش ۶ میلیارد و ۲۵۰ میلیون به ۱۱ میلیارد و ۳۶ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان، بودجه جهت دبیر خانه مرکزی ائمه جمعه، ۱۰ میلیارد تومان، اتحادیه انجمن های اسلامی، با افزایش ۹۰۰ میلیون به ۴ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان، بودجه جهت مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۲/۵ میلیارد تومان، مرکز جهانی علوم اسلامی، با افزایش ۲ میلیارد به ۸ میلیارد تومان، مجتمع جهانی اهل بیت، با افزایش ۱ میلیارد به ۳ میلیارد و ۹۱۸ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان، مجمع تقویت مذاهب، با افزایش ۵۰۰ میلیون به ۱ میلیارد و ۴۵۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان، بودجه جهت بنیاد حکمت صدرا، ۴۰۰ میلیون تومان، بودجه جهت ستاد امر به معروف و نهی از منکر، ۴۰۰ میلیون تومان، بودجه جهت مساجد روستاها، ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان، پژوهشگاه و اندیشه اسلامی با افزایش ۵۰۰ میلیون به ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان، بودجه برای جامعه الزهرا، ۲ میلیارد تومان، دانشگاه مذاهب اسلامی، با افزایش ۳۲۵ میلیون به ۱ میلیارد و ۳۸۰ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان، بودجه جهت ستاد عمره دانشجویی، ۳۰۰ میلیون تومان، بودجه جهت پژوهشکده امام خمینی، ۳۰۰ میلیون تومان، حوزه علمیه خواران با افزایش ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون به ۴ میلیارد و ۱۵۴ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان، مرکز خدمات حوزه علمیه قم (بیمه طلاب) با افزایش ۱۱ میلیارد به ۲۵ میلیارد و ۱۶۳ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان و منازل سازمانی طلاب قم، با افزایش ۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان به ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان رسید. (روزنامه شرق یکشنبه ۱۳۸۳/۱۲/۱۶). که البته بایستی بودجه های محرمانه نجومی هزاران هزار میلیارد تومانی را که برای کمک به نهادها و سازمانها و گروه های مذهبی بنیاد گرا و ارتجاعی در سطح جهان اختصاص می یابد نیز به این ارقام اضافه کرد.

هم چنین روزنامه کیهان در تاریخ ۹-۳-۲۰۰۵ اعلام کرد که: " ضریح امام حسین با هزینه بیش از یک میلیارد، توسط ده نفر از هنرمندان جوان در حال ساخت است. در این ضریح که در ابعاد ۲۹۸ سانتیمتر و

ارتفاع ۲۲۷ سانتیمتر با وزن ۸۵۰ کیلو گرم ساخته شده، ۲۷۰ کیلو گرم طلا و ۵۰ کیلو گرم مس مصرف شده است.

از طرف دیگر در هفته گذشته بنا بر مصوبه مجلس شورای اسلامی، عیدی هر نماینده ۱۱۰ میلیون ریال، عیدی وزیران بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ میلیون ریال و عیدی هیات مدیره بانک ها ۱۸۰ میلیون ریال به آنها پرداخت شد. هم چنین فرمانده ارتش در همایش سراسری فرماندهان نیروی ارتش اعلام کرد که: "متوسط حقوق جاری ماموران ارتش نسبت به سال ۱۳۷۹ با رشد ۱۲۰ درصدی، به ۲۷۴ هزار تومان رسید." این چنین ولخرجی ها از کیسه کارگران در موقعیتی صورت می گیرد که حتا دستمزد کارگران بخاطر کاری که انجام داده اند به آنها پرداخت نمی شود. در صورت اعتراض توسط قوای نظامی سرکوب می شوند و با اعلام نبودن بودجه برای دریافت دستمزدشان روبرو می گردند.

### شرم و ننگ بر که باد؟

در چنین وضعیتی که زندگی اجتماعی سیاسی و اقتصادی کارگران از پرتو وجود چنین رژیم و حامیان سینه چاک آن در بخش کارگری به فلاکت و سیه روزی امروزین رسیده است، آقای محبوب در جلسه افراد خانه کارگر گفت: کارگران کارخانجات "ایران ترمه، تهران پتو، بهمن پلاستیک و بسیاری از کارخانجات در سطح کشور دچار بحران شده و کارگران محروم واحدها در ابتدای سال نو با سفره های خالی **شرمند** **خانواده‌هایشان هستند**." او اضافه کرد: بهتر است بودجه های تشکلات کارگری در اختیار واحد هایی قرار گیرد که تعطیل شده و جیب کارگران خالی و **چهره شان شرمنده زن و فرزند است**."

ایشان پس از این تبلیغ انتخاباتی، هدف خود را از اظهار چنین گفته هایی اظهار داشت و در نهایت افزود که: "کارگران نباید به عرصه انتخابات بی تفاوت باشند به همین دلیل باید حضور کارگران در عرصه های انتخابات بسیار پر رنگ باشد." (خبرگزاری ایلنا، ۲۱-۱۲-۱۳۸۳)

اولا محبوب مشخص نکرد که بودجه تشکلات دولتی چقدر است که بتوان مزد میلیونها کارگری که به خاطر تعطیلی کارخانجات از کار بیکار شده اند را پرداخت کرد. آیا بجای این تعارفات توخالی و انتخاباتی نمی توان کارخانجات در حال تعطیل را از دست منصوبین دولتی گرفت و به خود کارگران واگذار کرد؟ واقعا وقاحت تا چه اندازه؟ آیا عدم پرداخت دستمزد متناسب، کارهای قراردادی و پیمانی، تعطیلی کارخانجات بخاطر کسب سود بیشتر و بیکاری کارگران، جلوگیری از هرگونه حرکت آنها جهت ایجاد تشکلات مستقل مورد نظر خود و ... خواست و بر اثر عملکرد کارگران است که بایستی نسبت به آن شرمند باشند؟ آیا این شرمندگی برای رژیم سرمایه داری اسلامی و منصوبین آن چون محبوب و کمالی نیست که طی ۲۶ سال تشکلات مافیایی خانه کارگر، شوراهای و انجمن های اسلامی را با زور سرنیزه بر کارگران تحمیل کرده و هرگونه حرکت کارگران برای تحقق خواسته های خویش را با حمله قوای نظامی جواب داده اند؟

شرمندگی برای کسانی است که دستشان تا آرنج به خون کارگران مبارز آلوده است. برای این خدمت خود به سرمایه کرسی وزارت و صدارت بر جنیش کارگری را وقیحانه بدست دارند. هم چون خفاش نظاره گر کوچک ترین حرکت خود جوش کارگران هستند تا آنها سرکوب کنند. این آقایان شرم نمی کنند با چنین فلاکتی که بر سر کارگران روا داشته اند باز هم از آنها می خواهند که در انتخابات ریاست جمهوری و

میان دوره ای مجلس شرکت کنند و به افرادی چون رفسنجانی و کمالی و محبوب و --- رای دهند. آیا فکر می کنند کارگران عمکرد روسای جمهور و مجلسیان را از ابتدا تاکنون به فراموشی سپرده اند؟ افرادی چون محبوب بایستی بدانند که کارگران و خانواده آنها نه با شرمندگی بلکه با کینه ای طبقاتی مصیب تمامی این سیه روزیها را رژیم سرمایه داری و منصوبین آن می دانند و منتظر روزی هستند که با قدرت یکپارچه و متحد خود بساط این حکومت مَلاشاهی را برچینند و همانند رژیم شاهنشاهی آن را به زباله دان تاریخ بسپارند. واقعا شرمتان باد.

" اسفند ۱۳۸۳ "